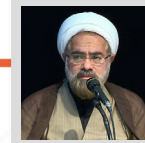




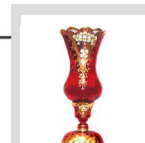
پرهیز از جهل علمی، از وظایف اصلی
عاشورائیان است



امام حسین (ع) برای آزادسازی
دین مبارزه کردند



... وقتی حمله می کرد مانند صاعقه
در علف زار خشک عمل می کرد



چراغ خیمه عزای حسینی
را روشن نگه دارید

هیئت تسنیم ولایت

... مراسم سوگواری سالار شهیدان حسین بن
علی (ع) در محضر حضرت آیت الله العظمی
جواد آملی (ع) مطابق سنوات گذشته برگزار شد.
عزاداران حسینی در شب تاسوعا و شب عاشورا
از بیانات مرجعیت علمی و دینی (ع) بهره بردند
و هم نوا با ایشان بر مصیبت سید و سالار شهیدان
گریستند.





گزیده‌ی بیانات
حضرت آیت الله العظمی
جوادی آملی
شب تاسوعای حسینی
۱۴۳۹ هجری قمری
هیئت تسنیم ولایت
بنیاد اسراء-قم

اسلام و کفر بود لذا امام سجاد علیه السلام فرمود ما رفتیم نام پیغمبر را زنده کردیم و برگشتیم و ما پیروز شدیم، پس کسی در عاشورا موفق است که عاشورایی باشد

رابطه ی میان اشک و عقل

اشک در مصائب سیدالشهدا علیه السلام
رابطه خدمت عقل ببریم تا عاقل شویم.

۵ مرحوم کلینی در جلد دوم کافی دارد که فاضل ترین مردم کسانی اند که به عبادت عشق بوززند. ما همه موظفیم برای سیدالشهداء بنالیم چون جریان گریه کردن يك روايت و ده روايت نیست فضیلت است، عبادت است، حرفی در آن نیست اما دو کار دیگر هم باید بکنیم: اولاً عقل را به خدمت این اشک نیاوریم، دوم اینکه اشک را به خدمت این عقل ببریم، بشویم عاقل: عقل را معزول و اسیر نکنیم، عاطفه بسیار چیز مقدسی است این عاطفه را ببریم خدمت عقل؛ وقتی اشک ریختیم بشویم حسینی، از این به بعد دیگر نه بیراهه برویم نه راه کسی را ببندیم. **روضة خوانی و مداحی های ما نباید بی پشتوانه علمی باشد.**

پیروز واقعه ی عاشورا

کاروان حسین بن علی علیه السلام پیروز واقعه عاشورا هستند.

۳ جریان کربلا تنها برای این نبود که سالار شهیدان علیه السلام مجبور به بیعت بود و تنها جان او در خطر بود. سخن از اصل دین بود، سخن از شخص حضرت نبود. در دم دروازه شام وجود مبارك امام سجاد علیه السلام را که اسیرانه آوردند به حضرت عرض کردند در این جنگ چه کسی پیروز شد؟ فرمود ما پیروز شدیم. توی شامی اگر خواستی بفهمی در صحنه عاشورا چه کسی پیروز شد هنگام نماز برو اذان و اقامه بگو ببین نام چه کسی را می‌بری، ما رفتیم این نام را زنده کردیم و برگشتیم.

عاشورایی باشید

**کربلا یعنی جنگ بین حق و باطل،
خیر و شر، زشت و زیبا، عدل و ظلم**

۴ سخن از حسین و حسن نیست، سخن از قرآن و عترت است. کربلا یعنی جنگ بین حق و باطل، خیر و شر، زشت و زیبا، عدل و ظلم. در سخنان نورانی سالار شهیدان علیه السلام همین بود، اصل جنگ سالار شهیدان علیه السلام با دستگاه اموی جنگ

قدسی می‌شود تشخیص داد. نه تنها در زیارت جامعه، بلکه در سایر زیارات این مضمون هست که «مَحَقُّ لِمَا حَقَّقْتُمْ وَ مَبْطُلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ» ادب ما در پیشگاه این ذوات قدسی این است که من در مسائل علمی صاحب نظرم آنچه را شما تحقیق کردی من محققانه می‌پذیرم، آنچه را شما ابطال کردی من محققانه باطل می‌دانم. پس جامعه‌ای، جامعه حسینی است که هم در مسئله سواد محققانه معارف را تحقیق کند و هم در مسئله عمل، متحققانه باشد.

وظایف عاشورائیان

**پرهیز از جهل علمی، اجتناب از تقلید و عوام‌فریبی
از وظایف اصلی عاشورائیان است**

۲ پرهیز از جهل علمی، اجتناب از تقلید و دوری گزیدن از عوام‌فریبی این وظیفه اصلی عاشورائیان است. آنکه محقق نیست، شیعه حسینی نیست، این در بخش علم و سواد. در بخش عملی، تحقق لازم است. شما در زیارتنامه وجود مبارك مسلم بن عقیل همین حرف را می‌زنید «حَزْبٌ لِّمَنْ حَازِبُكُمْ وَ يَسْلُمُ لِمَنْ سَالَمُكُمْ» این اولین شهید عاشوراست در پایانش هم که زیارت سالار شهیدان علیه السلام است همین حرف است.

پیام سالار شهیدان علیه السلام

پیام سالار شهیدان علیه السلام
تحقیق علمی و تحقق عملی است

۱ پیام سالار شهیدان علیه السلام دو چیز است: یکی تحقیق علمی و دیگری تحقق عملی: جامعه‌ای می‌تواند حسینی باشد که در معارف دین محقق باشد نه مقلد و در مسائل عملی، متحقق باشد نه عقب افتاده. جریان عاشورا را از زیارتنامه‌های این ذوات



شب عاشورای حسینی
۱۴۳۹ هجری قمری



طیب بودن کشور به خون شهید است

شهادت، کشور را طیب و طاهر شود.

۴ وجود مبارك حسين بن علي عليه السلام وقتی شهادت را ترسیم می‌کند می‌گوید شهید کارش این است که کشور را طیب و طاهر کند، طهارت يك کشور، طیب بودن يك کشور به خون پاک شهید است، شهادت آنقدر تواناست که يك کشور آلوده قبل از انقلاب را طیب و طاهر کند. اگر کشور طیب و طاهر شد باید طبق بیان قرآن کریم میوه طیب و طاهر بدهد میوه يك مملکت، عقل است و عدل، طهارت است و قداست، میوه يك نظام، انسانیت است.

شهادت و اشک وسیله اند

اشک در مصائب سید الشهداء عليه السلام هدف نیست.

۵ در زیارت‌ها عموماً و زیارت جامعه خصوصاً این دو عنصر محوری را به ما می‌آموزاند که هم شهادت، وسیله است و هدف نیست و هم اشک، وسیله است و هدف نیست؛ این از بیانات نورانی خود سالار شهیدان عليه السلام و ائمه دیگر است.

گریه بر سید الشهداء شمشیر مومن است

برای آنکه «حرب لمن حاربکم» می‌گوید، ایران، عراق، سوریه و ... فرق نمی‌کند

۳ گریه اسلحه مومن است، آنگاه مومن می‌تواند بگوید «سلم لمن سالمک و حرب لمن حاربکم» ایران شد، عراق شد، سوریه شد، جای دیگر شد «حرب لمن حاربکم» از آغاز جریان کربلا تا پایانش همین حرف است. مگر در زیارت مسلم عقیل عليه السلام همین مطالب را عرض نمی‌کنیم که من آمدم توی مسلم را یاری کنم، الآن بیش از هزار سال است او شربت شهادت نوشید،

مسلم چه حاجتی به یاری ما دارد؟ غیر از یاری مکتب مسلم؟! بنابراین گریه فروشی به نحو اسلحه فروشی است؛ گریه، شمشیر است، گریه، سپر و نیزه است، گریه، لباس رزمی است که انسان تن بکند چه گریه نماز شب که با دشمن درون می‌جنگد، چه گریه حسینی که با دشمن بیرون می‌جنگد، آنکه بگیرد و نیزه نگردد گریه نکرده است اگر خواستیم بفهمیم گریه یعنی چه، به ما فرمودند: «و سلاحه البكاء».

از اولیاء الهی ارث ببرید

علم‌الوراثه را در حسینی‌ها یاد بگیرید و از نوح و آدم و خاتم ارث ببرید

۲ وقتی به ما فرمودند زیارت وارث بخوانید یعنی چه؟ این زیارت وارث به ما درس علم‌الوراثه می‌دهد، از حضرت آدم گرفته تا حضرت خاتم عليه السلام فرمود تو ارث بژدی. ارث لازم نیست کتاب و کتبی باشد، فرق جوهری ارث معنا و ارث مادی این است؛ در ارث مال، تا موژت نمیرد چیزی به وارث نمی‌رسد، در ارث عقل و عدل و علم تا وارث نمیرد چیزی به او نمی‌دهند.

اگر کسی خواست از حسین بن علی عليه السلام ارث ببرد تا خود انسان نمرده است ارث نمی‌برد تا با مرگ ارادی نمیرد شهوت و غضب را خاموش نکند، خواسته‌های خودش را خاموش نکند، چیزی به او نمی‌دهند این علم‌الوراثه است.

اینکه می‌گویند زیارت وارث بخوانید یعنی شما هم مظهر این باشید شما هم از نوح و آدم و خاتم ارث ببرید. به ما هم گفتند علم‌الوراثه را در حسینی‌ها یاد بگیرید.

گریه، اسلحه ای برای حفظ نظام اسلامی

«و سلاحه البكاء» این گریه، اسلحه ای است که بیگانه را سر جای خود بنشانند و نظام را حفظ کند

۱ این اشک فروشی در حسینی‌ها بسیار مقدس است مثل کسی که نیزه و شمشیر می‌فروشد منتها آن خریدار باید غرضه داشته باشد از این اشک بهره ببرد. به ما گفتند ناله کن اما گفتند برای چه چیزی ناله کن، هرگز نگفتند اشک بریز، گفتند برای فلان کار اشک بریز؛ بنگرید که اشک هرگز هدف نیست. روایات فراوانی برای فضیلت گریه کردن هست در این شکی نیست اما این وسیله است نه هدف، وقتی دعای کمیل را می‌خوانید می‌گویید «و سلاحه البكاء» این گریه، اسلحه است تا بیگانه را سر جای خود بنشانند، گریه برای گریه نیست، گریه برای حفظ نظام است، برای حفظ عفاف است، برای حفظ دین است، برای حفظ قرآن و عترت است، همان‌طوری که شهادت برای میوه طیب و طاهر است، این اسلحه را به دست هر کسی نمی‌دهند اگر کسی گریه کرد و در این گریه یکی از این سه کار را انتخاب نکرد او سلاح خرید، اسلحه خرید، شمشیر خرید ولی با آن مبارزه نکرد.



کوتر به عنوان چشمه ای از بهشت، برگرفته از سوره کوثر است و از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حسین از من است و سیدالشهدا علیه السلام نیز فرمودند: من به روش جدم عمل می کنم این کتاب به نام کوثر کربلا مزین شد. چنان که خود رخداد کربلا کوثر است و وجود پربرکت و ماندگار امام حسین علیه السلام هدیه ای از جانب خداوند به رسولش بوده و یکی از مصادیق کوثر است.

کتاب کوثر کربلا مشتمل بر سه جام است؛ مباحث این سه جام همگی زیرمجموعه عقل نظری هستند و به تعبیری دیگر، جزء مباحث حکمت نظری و عملی اند که برخی درباره شناخت هست ها و نیست ها و بعضی درباره شناخت باید ها و نبایدها و انتخاب کلمه جام به جای فصل از آن روست که با نام کتاب هماهنگی بیشتری دارد.

در **جام یکم** این کتاب رسالت های معرفتی کربلا بیان می شود که محورش بیان هست ها و نیست های مهم است
در **جام دوم** رسالت های عملی - اجرایی کربلا ارایه می شود که محورش بیان باید ها و نبایدهای مهم است.

در **جام سوم** که بلانوشان کربلا نام دارد؛ مقتل سید الشهدا علیه السلام با رویکرد خاص تربیتی ارایه شده که این رویکرد علت امتیاز آن از سایر مقاتل است.

پیش از آغاز مقتل در عنوان "یاد سپاری مهم" نظر استاد درباره نقل های مورخان و ارباب مقاتل درباره وقایع قبل و بعد از عاشورا به گونه ای شفاف بازگو شده که برای سخنوران و مداحان بسیار راهگشاست.



کتاب ارشمنند «حماسه و عرفان» یکی دیگر از آثار ارزشمند آیت الله جوادی آملی رحمته الله است. همان طور که از نام این کتاب برمی آید، موضوع آن درباره عرفان، حماسه و ارتباط بین این دو مقوله است. اصل مطالب کتاب، برگرفته از سخنرانی های آیت الله جوادی آملی رحمته الله است که در محرم سال ۱۳۶۸ انجام شده است

بخش هایی از کتاب حماسه و عرفان:

دشمن وجود حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را مایه رعب و وحشت سپاه خویش می دانست چون او بود که وقتی حمله می کرد مانند صاعقه در علف زار خشک عمل می کرد و دشمن را قلع و قمع می نمود.

از این رودر صدد وارد کردن ضربه کاری به آن حضرت بودند و وقتی که این زمینه برای آنان پیش آمد آنگونه عمل کردند که هروقت چشم امام سجاد علیه السلام به فرزند عباس علیه السلام یعنی عبیدالله بن عباس می افتاد اشک از دیدگان مبارکشان جاری می شد و می فرمود: وقتی به یاد مصیبت های عباس در کربلا می افتم، کنترل را از دست می دهم. حماسه و عرفان ص ۴۷۲



اندیشه بلند سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام که در قیام باشکوهش متبلور گشت، نمادها و ظهورات مختلفی دارد که هر یک از دانشمندان به نوبه خود، مطابق شخصیت علمی و فرهنگی خویش به دنبال چهره نهضت حسینی علیه السلام هستند و عمق باورها و حتی گرایش های آن حضرت را استنباط می کنند.

کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی علیه السلام» مشتمل بر دو بخش است:

بخش اول: کلیات، که در فصل نخست به تبیین سیره امام حسین علیه السلام اشاره شده و در فصل دوم به پیام نهضت آن حضرت پرداخته شده است.

بخش دوم: اثر نهضت حسینی که از شش فصل شکوفایی عقل، رهبران الهی شکوفاگران عقل، اقدامات مخالفان شکوفایی عقل، قیام حسینی برای شکوفایی عقل، اثربخشی حسینی در شکوفایی عقل و تداوم اثربخشی حسینی برای شکوفایی عقل تشکیل شده است.

همان طور که از نام کتاب مشخص است، نویسنده سعی در بیان ویژگی ها و مشخصات نهضت عاشورا دارد که سبب رشد و شکوفایی عقل آدمی می شود. از آنجا که هر انقلابی تبلور اندیشه ها و نظرات رهبر انقلابی است، با فحوص و تدقیق در رفتار سید الشهدا علیه السلام گفتار و کردار آن حضرت در مسیر نهضت الهی اش، به مطالب و کلید واژه هایی دست می یابیم که هر کدام دریایی از معارف و علوم است و جاذب هر انسان عقل گرا.

در ابتدا، نویسنده سیره حضرت سید الشهدا را بیان می کند که در حقیقت همان سیره رسول الله و در حقیقت سیره عملی قرآن است.



■ برای به‌روزرسانی نهضت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) همه نخبگان و همه جمعی که در مسیر معرفت و فرهنگ گام برمی‌دارند باید تلاش کنند، چون این نهضت متعلق به یک زمان، مکان یا شرایط خاص نیست و متعلق به جهان اسلام و بلکه جهان بشریت است.

هدف اول: آزادسازی دین

■ می‌توان برای این نهضت، سه هدف عمده شناسایی کرد. هدف اول آزادسازی دین است چون دین به دست اشرار، خودکامگان و اهل تبانی و فساد در اسارت بود. جریان معاویه، ابوسفیان و یزید که خائنان به اسلام و امت اسلامی بودند با تفسیری که از دین ارائه می‌دادند و خوانشی که از دین داشتند، دین را به اسارت گرفتند و براساس این دین به اسارت گرفته شده بر مردم حکومت می‌کردند.

■ بنابراین هدف اولیه امام حسین (علیه السلام) این بود که دین را آزاد کند و پاکسانی که دین را با رأی خود تفسیر کرده و خوانشی استکباری و استعماری از دین برای جامعه ارائه می‌دادند مبارزه کنند. پس باید همواره این هدف را مورد توجه قرار دهیم.

هدف دوم: آزادسازی ملت

■ هدف دوم قیام ایشان، آزادسازی ملت بود تا ملت زیر یوغ استعمار و استکبار اموی نباشد و با جریان‌هایی که برای به سلطه کشاندن مردم تلاش می‌کردند، مبارزه کنند. این اقدام امام حسین (علیه السلام)، آزادسازی ملت بود تا امت را از زیر بار استبداد امویان آزاد کند.

هدف سوم: مبارزه با رهبری ناشایستگان در جامعه

■ هدف سوم این بود که ناشایستگان و انسان‌های خودکامه آن زمانه، شأنیت و شخصیت راهبری جامعه و سرپرستی دین را نداشتند. جریان امور، خصوصاً وقتی به حاکمیت یزید منتهی شده است، امام حسین (علیه السلام) از آن با عنوان مصیبت یاد کردند.

■ دین‌های ساختگی و عرفان‌های کاذب که رواج بسیاری پیدا کرده و در کشور ما هم کمابیش از آنها یاد می‌شود، نشان از آن است که عده‌ای به نام دین در راستای اهداف منفعت‌طلبانه حرکت می‌کنند و هدف امام حسین (علیه السلام) از آزادسازی دین این بوده که

جامعه متوجه باشد و دین را از صاحبان اصلی آن یعنی کسانی که حقیقتاً اهل ذکر هستند و کتاب و سنت را به درستی می‌شناسند، بگیرد.

■ وقتی دین آزاد شد، شئون دیگر دین از قبیل اقتصاد عادلانه هم آزاد خواهد شد. اگر دین به اقتصاد عادلانه توصیه می‌کند و جریان‌های زیاده‌خواهی و ربوی در نظام اقتصادی را محکوم کرده و آنها را حرام می‌شمرد، دین آزاد اجازه نمی‌دهد بانک‌های ربوی با نظام‌های سودجویانه‌ای که دارند، چنین آثار بدی را بر جامعه داشته باشند.

■ اگر گفته می‌شود هدف امام حسین (علیه السلام) از آزادسازی دین، این است که شئون دینی در سراسر دنیا آزاد شود، بدین معنی است که یک سیاست آزاد و مستقل را پیگیری می‌کنند نه سیاستی که جریان‌های اقتصادی سودجویانه را پیگیری کرده و نظامات اقتصادی نامتوازن و نامتعادل را تحمیل کند.

■ اگر حکومتی دینی شد، شئون دیگر آن همانند اقتصاد، فرهنگ، مناسبات اجتماعی و تربیت و

اخلاق همگی از جایگاه دین خواهد آمد و بنابراین حکومت‌های دینی باید به این نکته توجه کنند که آزادسازی دین که هدف اولیه سالار شهیدان (علیه السلام) بود، اقتصاد آزاد را هم در پی خواهد داشت چون دین آزاد، سیاست مستقل می‌آورد و مناسبات ملی و بین‌المللی شایسته ایجاد می‌کند.

■ باید در برابر نظام‌هایی که عملکردی سلطه‌گرایانه دارند ایستادگی کرد و نهضت امام حسین (علیه السلام)، الگویی برای مقابله با چنین سیستم‌هایی است چرا که امام حسین (علیه السلام) هم با ظلم و تباهی مبارزه می‌کند و امروز که جریان‌های سلطه حاکم هستند باید با الگوبرداری از قیام امام حسین (علیه السلام) با آنها مبارزه کرد



برگزیده‌ی مصاحبه‌ی حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی
با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، با موضوع درس‌های قیام عاشورا
برای تغییر مناسبات اقتصادی در جهان امروز

امام حسین (علیه السلام) برای آزادسازی دین مبارزه کردند و وقتی دین آزاد شد، شئون دیگر دین از قبیل اقتصاد عادلانه هم محقق خواهد شد؛
چرا که دین اجازه اقتصاد ربوی و سودجویانه را نمی‌دهد.



... وقتی حمله می کرد مانند صاعقه در علف زار خشک عمل می کرد و دشمن را قلع و قمع می نمود. از این رو در صدد وارد کردن ضربه کاری به آن حضرت بودند و وقتی که این زمینه برای آنان پیش آمد آن گونه عمل کردند که هر وقت چشم امام سجاد علیه السلام به فرزند ایشان - عیدالله بن عباس - می افتاد اشک از دیدگان مبارکشان جاری می شد و می فرمود: **وقتی به یاد مصیبت های عمویم عباس علیه السلام در کربلا می افتم، کنترلم را از دست می دهم.**

... آیا مردی پیدانی شود؟

عابس بن شیب شاکری

دلیرمردی از قبیله همدان که در روز عاشورا احساس کرد در بازار پرسود و شرری قرار دارد که اگر تلاش کند سود بی کرانی نصیبش می شود و اگر غفلت گریبانش را بگیرد خسران بی پایان خواهد داشت. ... به محضر سید و سالار خود حضرت حسین بن علی علیه السلام شرفیاب شد، عرض ارادت و اخلاص نمود، آن گاه با شمشیر به سوی دشمنان شتافت. عابس در میدان، مبارز طلبید و فریاد آلا رجل؟ آلا رجل؟ (مردی پیدا نمی شود؟) سر داد. ولی کسی جرأت نکرد. عمر سعد فریاد زد: حال که چنین است، سنگبارانش کنید! پس از این دستور، سنگ مثل باران از هر طرف به سوی سرافراز شد. عابس وقتی این نامردی و هراس زبانونه را دید زره و کلاه خود را کنار گذاشت و سپس حمله کرد.

أنا علی بن حسین بن علی...

حضرت علی اکبر علیه السلام

... بیست و هفت سال داشت و اولین فرد از بنی هاشم است که عازم میدان شد و اینگونه رجز خواند: أنا علی بن حسین بن علی ■ نحن و بیت الله اولى بالنبی أظعنکم بالمرح حتی ینثنی ■ أضربکم بالسیف أحمی عن أبی ضرب غلام هاشمی علوی ■ والله لا یحکم فینا ابن الدّعی ... حملات شکننده و شجاعانه آن حضرت، که منجر به قلع و قمع دشمنان می شد، مرتب تکرار می شد. طوری که کوفیان از ترس و وحشتی که از آن حضرت و حملات او به دلشان می افتاد، عقب نشینی و فرار می کردند. با وجود تشنگی صدوبیست نفر را به هلاکت رساند. این بار نیز عده ای را به هلاکت رساند طوری که عده کشته شدگان به دویست نفر رسید. سرانجام، با تفصیلی که در تاریخ نهضت کربلا آمده، با لب تشنه به شهادت رسید.

نیست صاحب همتی در نشأتین

هم قدم عباس را بعد از حسین

در هواداری آن شاه ألت

جمله رایك دست بود او را و دست

... وقتی حمله می کرد مانند صاعقه در علف زار خشک عمل می کرد و دشمن را قلع و قمع می نمود. از این رو در صدد وارد کردن ضربه کاری به آن حضرت بودند و وقتی که این زمینه برای آنان پیش آمد آن گونه عمل کردند که هر وقت چشم امام سجاد علیه السلام به فرزند عباس علیه السلام یعنی عیدالله بن عباس می افتاد اشک از دیدگان مبارکشان جاری می شد و می فرمود: **وقتی به یاد مصیبت های عمویم عباس علیه السلام در کربلا می افتم، کنترلم را از دستم می دهم.**

جمله رایك دست بود او را و دست...

قمر بنی هاشم عباس بن علی علیه السلام

■ امام سجاد علیه السلام در ستایش عموی بزرگوار خود می فرماید: خدا رحمت کند عمویم عباس را که جان خود را ایثار کرد و فدای برادرش شد تا آن که دو دست او قطع شد، در عوض، خدا دو بال به او عنایت کرد که به وسیله آن همراه ملائک در بهشت پرواز می کند، چنان که برای جعفر بن ابی طالب نیز دو بال قرار داد. ■ برای عباس علیه السلام در نزد خدا منزلتی است که همه شهدا در روز قیامت غبطه آن مقام را می خورند. ■ موقعیت و نقش او در سپاه امام حسین علیه السلام فوق العاده بود. لذا مأموریت های سنگین مانند مهلت خواستن برای شب عاشورا، آب آوردن، پرچم داری و امثال آن به عهده آن حضرت گذاشته شد و در آن لحظه آخر که عباس علیه السلام اجازه ی میدان خواست امام حسین علیه السلام فرمود: تو پرچم دار من هستی؛ و تا موقعی که پرچم برافراشته بود دل لشکرو اهل بیت امام حسین علیه السلام گرم بود.

به یکی از کسانی که در کربلا و در صف سربازان عمر سعد شرکت کرده بود، گفتند: وای بر شما! با پسر پیامبر ﷺ جنگیدید و او را کشتید؟ گفت: چه می گوئید؟ اگر شما نیز مشاهده می کردید آنچه را که ما مشاهده کردیم، همانند ما عمل می کردید. گروهی بر ما حمله کردند که مانند شیرهای خشمگین دست به قبضه شمشیر برده بودند. از چپ و راست، سواران را می کوبیدند و خُرد می کردند. خود را به دهان مرگ می انداختند. نه امان نامه قبول می کردند و نه رغبت به مال داشتند... اگر به آنها مهلت می دادیم از هر طرف به ما حمله می کردند. مادر مرده به نظر تو ما چه می کردیم؟



ای پیرمرد! خدایت جزای خیرت دهد...

آنس کاهلی

پیرمردی که از اصحاب رسول خدا ﷺ بود و در بدر و حنین شرکت کرد. او از پیامبر خدا ﷺ شنیده بود که امام حسین ﷺ در کربلا کشته می شود و هر کس که در آن صحنه حضور پیدا کرد باید به یاری او بشتابد. با شنیدن این کلام، طبعاً منتظر فرصت بود تا این که سرانجام در دوران سالمدی موفق به حضور در کربلا و یاری پسر پیغمبر اکرم ﷺ شد. او که به خاطر کهنسالی ابروانش فرو هشته بردیدگانش بود، مجبور شد آن را با پارچه ای به پیشانی خود ببندد تا بتواند جلویش را ببیند. وقتی که امام حسین ﷺ او را به این صورت دید، گریست و فرمود: ای پیرمرد! خدایت جزای خیر عنایت کند و سعی تو مشکور درگاه او باد. آنس وارد کارزار شد و با آن سن بالا توانست هجده نفر از سپاهیان عمر سعد را به هلاکت برساند و سرانجام شهید شیرین و خوشگوار شهادت را بچشد.

خوشتراز بوی مشک و عنبر...

جون، غلام ابودرغفاری

در شدت جنگ از امام حسین ﷺ اجازه خواست تا به میدان برود. امام ﷺ فرمود: تو ما را همراهی می کردی تا در آسایش باشی (صلاح نیست که به میدان بروی) مجاز هستی که از اینجا بروی. ولی او به دست و پای حضرت افتاد، پاهایش را می بوسید و می گفت: در آسایش شما شریک باشم و در سختی ها رهايتان کنم؟ هر چند که بوی بدنم متعفن، رنگم سیاه و خَسَب من پایین و پست است، ولی بزرگواری شما بوی بدنم را خوش، رنگم را سفید و حسب مرا شریف خواهد کرد. به خدا سوگند از شما جدا نمی شوم تا خونم با خون شما مخلوط شود. با این اصراری که کرد امام حسین ﷺ به او اجازه داد. به میدان رفت ۲۵ نفر کشت و نقش زمین شد. امام ﷺ به بالینش آمد و دعا کرد: «اللَّهُمَّ بِيضْ وَجْهَهُ...» پس از این دعا، هر کس از کنار قتلگاه عبور می کرد بویی خوشتر از بوی مشک و عنبر از بدن این غلام به مشامش می رسید.

در دین ماسیه نکند فرق با سپید...

غلام ترکی

او قاری قرآن و غلام امام حسین ﷺ بود. وقتی به میدان مبارزه آمد این گونه رجز حماسی می خواند: أَلْبَحْرُ مِنْ طَعْنِي وَضَرْبِي يَصْطَلِي وَالْجَوُّ مِنْ سَهْمِي وَنَبْلِي يَمْتَلِي إِذَا حَسَامِي فِي يَمِينِي يَنْجَلِي يَنْشِقُ قَلْبَ الْحَاسِدِ الْمَبْجَلِ پس از کشتن عده ای نقش زمین شد. امام حسین ﷺ بر بالین وی حاضر شد، گونه خود را بر گونه اش نهاد. غلام وقتی چشم باز کرد و آن حضرت را دید لبخند رضایت بر لبانش نقش بست و آن گاه جان به جان آفرین تسلیم کرد. يك جا، رخ غلام و پسر بوسه داد و گفت:

در دین ماسیه نکند فرق با سپید

در سر عاشق هوای دیگر است

خطر مردم به جای دیگر است

نیست جز او در رگ و در پوستم

بی خبر از دشمن و از دوستم

ربیع می گوید: به خدا قسم دیدم در آن حال بیش از دویست نفر را پراکنده و تارومار کرد. ناچار از هر طرف بر او حمله کردند و در نهایت او را به شهادت رساندند. آن گاه دیدم سر عابس در دست عده ای است و با یکدیگر نزاع کرده، هر کس می گوید: من عابس را کشته ام.

عمر سعد گفت: با یکدیگر نزاع و مخاصمه نکنید، به خدا قسم کشتن عابس کاریک نفر نیست. و با این کلام به نزاع آنها خاتمه داد....



رمز پیروزی واقعه عاشورا در کلام امام سجاد علیه السلام چیست؟

■ از وجود مبارک امام سجاد علیه السلام در جلوی دروازه شام سؤال کردند در صحنه کربلا چه کسی پیروز شد؟ فرمود ما، چرا که ما رفتیم حق را زنده کنیم که این کار را هم کردیم، ما رفتیم نام پیغمبر علیه السلام را زنده کنیم که در این راه موفق هم شدیم.

"ما رأیت الا جمیلا" بیانگر چه مطلبی است؟

■ زینب کبری علیه السلام وقتی در جریان کوفه قرار گرفت و به او گفته شد «کیف رأیت الا صنع الله بأخیک» فرمود: «ما رأیت الا جمیلا» فرمود ما صبر می کنیم، نفرمود کار خوبی بود «فرمود که جز کار خوب، چیز دیگری نبود» تمام وقایعی که جنبه مردمی و خلقی دارد، از بین می رود ولی صبغه الهی کربلا بود که آن را نگه داشت.

عبارت «و جعلنا وایاکم من الطالبین لثاره»

که در سوگ سالار شهیدان بیان می شود به چه مطلبی اشاره دارد؟

■ ما در مراسم سوگ آن سرور، دو مطلب را عرض می کنیم: یکی می گوئیم: «أعظم الله أجورنا و أجورکم بمصابنا بالحسین علیه السلام» که این مسئله اجر صابران است، یکی هم عرض می کنیم «و جعلنا وایاکم من الطالبین لثاره» این بخش دوم یک مطلب پویا و ماناست، در این بخش از خدای سبحان مسئله می کنیم که ما را جزء طالبان خونبهای آن حضرت قرار بدهد؛ خونبها را ولی و بازمانده ها و فرزندان مقتول می گیرند و ما از آن جهت که مکتب حسین را پذیرفتیم فرزند این مکتبیم لذا قبل از طلب ثار، شایستگی فرزند بودن لازم است؛ ما باید فرزند این مکتب باشیم تا خونبها را بخواهیم و این شعار الهی یوم القیامه هست، یعنی از خدا درخواست می کنیم آن توفیق را به ما بدهد که خونبهای کربلا را از قاتلان کربلا بگیریم.

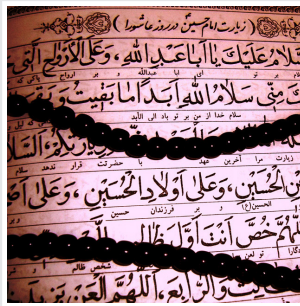


چرا باید هر حادثه تلخ و ناگواری را باید بهانه کرد و برای سالار شهیدان اشک ریخت؟

■ براساس نقلی معروف از حضرت سکینه علیه السلام بالای بدن مطهر امام حسین علیه السلام، ایشان به این اصل کلی سفارش کردند که هر حادثه تلخی پیش آمد کرد، آن را بهانه کنید و برای من اشک بریزید: «هرگاه داستان غریب یا شهیدی را شنیدید، برای مظلومیت من گریه کنید»؛ زیرا اگر امام حسین علیه السلام به خلافت می رسید، دیگر غریب یا شهیدی وجود نداشت.

سر تأکید اهل بیت علیه السلام به زیارت قبر امام حسین علیه السلام

■ از امام صادق علیه السلام پیرامون این مطلب سه حدیث نورانی روایت شده است:
■ امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، هرچند که سالی یک بار باشد؛ زیرا هر کس عارف به حق او باشد و زیارتش کند، پاداشی جز بهشت ندارد، از رزق و اسعی بهره مند می شود و خداوند گشایشی در کار او ایجاد می کند.
■ کسی که عارف به حق آن حضرت باشد و زیارتش کند، ملائکه، وی را همراهی می کنند تا به مأمنش برسانند، اگر مریض شود عیادتش می کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش کرده، تاروی قیامت برای وی استغفار می کنند.
■ کسی که قبر حسین بن علی علیه السلام را همراه با معرفت زیارت کند، همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.



فراز زیارت اربعین «بَدَلْ مُهْجَتَهُ فیکَ لَیْسَتْ نَقْدَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الصَّلَاةِ» گویای چه مطلبی است؟

■ در خصوص حسین بن علی علیه السلام باید گفت ایشان کاری کرد که با یک دست جزم علمی مردم را تأمین کرد و با دست دیگر عزم عملی مردم را بیمه کرد «بَدَلْ مُهْجَتَهُ فیکَ لَیْسَتْ نَقْدَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ» که مردم بشوند عالم «وَ حَیْرَةِ الصَّلَاةِ» که بشوند عاقل، و عقل همان است که «عُیْدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اکْثِیْبَ بِهِ الْجِنَانُ».

دلیل سفارش به قرائت زیارت عاشورا در هر روز

■ سر این که سفارش کرده اند هر روز زیارت "عاشورا" بخوانید و نسبت به اهل بیت علیه السلام تَوَلَّی داشته و بر آنان صلوات و درود بفرستید و از دشمنان شان تَبَرَّی بجوئید، برای آن است که طرز فکر معاندان ایشان منفور شود. این که سفارش فراوان به اشک ریختن و عزاداری کردن نموده اند برای آن است که اشک بر شهید اشتیاق به شهادت را به همراه دارد.

در روایت امام عسکری علیه السلام، خصوصیت کنار هم قرار گرفتن

نماز و زیارت اربعین چیست؟

■ انسان های نمازگزار می توانند خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هُلوع، جزوع و منوع بودن به دَرآیند و مشمول رحمت های خاص الهی باشند زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هُلوع و منوع بودن بازمی دارد.
■ جزم بدون عزم، عالم بی عمل می سازد، عزم بدون جزم، مقدس بی درک می سازد، اما در خصوص حسین بن علی علیه السلام باید گفت ایشان کاری کرد که با یک دست جزم علمی مردم را تأمین کرد و با دست دیگر عزم عملی مردم را بیمه کرد «بَدَلْ مُهْجَتَهُ فیکَ لَیْسَتْ نَقْدَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ» که مردم بشوند عالم «وَ حَیْرَةِ الصَّلَاةِ» که بشوند عاقل، و عقل همان است که «عُیْدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اکْثِیْبَ بِهِ الْجِنَانُ»



عزاداری برای سیدالشهدا (علیه السلام) باید فزاینده معرفت باشد در غیر این صورت الحان و شعرهایی که بر عشق و ارادت حقیقی به اهل بیت (علیهم السلام) نیافزاید و معرفتی نسبت به اسلام و احکام والای آن در انسان پدید نیاورد، نمی تواند به عنوان عزاداری واقعی محسوب شود و دارای کارکرد باشد.

هماهنگی عزاداری با اصل دین

عزاداری امام حسین (علیه السلام) به عنوان یک شعار دینی باید در تمام جهات هماهنگ با اصل دین باشد.

■ دین اقتضائات و احکامی دارد که عزاداری نیز باید همراه و هم راستا با آن شکل گیرد. ثواب والای ذکر شده برای عزاداری امام حسین (علیه السلام) بدین جهت است که آموزه ای دینی و وحیانی است پس باید با حفظ اقتضائات صورت گیرد نه اینکه رنگ و بوی عادت های فردی و قومی را پذیرد.

برجسته ترین ویژگی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) منطبق بودن با اصل و اهداف دین است .

■ در عزای حسینی ماتم عظیمی وجود دارد، پس عزاداری ها نیز باید گویای درد و رنج وارد شده به اصحاب امام حسین (علیه السلام) باشد ولی استفاده از الحان و آهنگ هایی که نتوانند به انتقال حزن وارد شده به اهل بیت (علیهم السلام) بپردازد نه تنها عزاداری محسوب نمی شود بلکه با اهداف دین در تضاد است و به عنوان یک آموزه دینی نمی توانند برای انسان اجر و ثواب به همراه داشته باشد.

برخی نوحه ها و عزاداری ها صرفاً به تحریک عواطف می انجامد و عزاداری حقیقی محسوب نمی شود

■ عزاداری برای سیدالشهدا (علیه السلام) باید فزاینده معرفت باشد در غیر این صورت الحان و شعرهایی که بر عشق و ارادت حقیقی به اهل بیت (علیهم السلام) نیافزاید و معرفتی نسبت به اسلام و احکام والای آن در انسان پدید نیاورد، نمی تواند به عنوان عزاداری واقعی محسوب شود و دارای کارکرد باشد.

آزادگی بزرگ ترین درس واقعه عاشورا

آزادگی بزرگ ترین درس واقعه عاشورا است که باید در عزاداری های سید و سالار شهیدان مورد توجه قرار گیرد

■ جامعه ای آزاد است که در فضای تحصیل کمالات و فضائل و تحقق آرمان های بلند اسلام گام برداشته و حرکت کند و مسائل دین را بیان نماید؛ یکی از مسائل عاشورا حریت و آزادگی است امام حسین (علیه السلام) در صدد بودند تا هم دین را و هم انسان و جامعه را آزاد کنند.

■ گاهی ظلم فردی، گاهی اجتماعی و در برخی موارد نیز سیستمی است که بر جهان حاکم است، امروزه جهان محکوم به ظلم سیستمی است، امام حسین (علیه السلام) برای مبارزه با ظلم بپا خاست پس باید این مهم در عزاداری های سید و سالار شهیدان تبیین شود تا مردم درک صحیح تری نسبت به فلسفه عاشورا پیدا کنند.

■ اگر انسان برای حسین بن علی (علیه السلام) و قیام پاک و ارزشمند ایشان و جوان مردانی که از حق و فضیلت پاسداری کرده اند، عزاداری کند، مطمئناً از همین ویژگی ها نیز بهره مند می شود؛ اگر یک امر متعلق به

خوبی ها و زیبایی ها باشد انسان نیز از آن بهره مند می شود چرا که با درک صحیح شرایطی که برای آن عزاداری شده است می تواند برای خود الگوسازی کند اما عزاداری سکولار که از درک معنا تهی است کارکردی برای افراد ندارد، در صورتی که عزای حقیقی، برپا کردن همه کمالات درک شده را برای انسان به ارمغان می آورد.

عزای حسینی متعلق به مردان سلحشور و زنان عفیف است

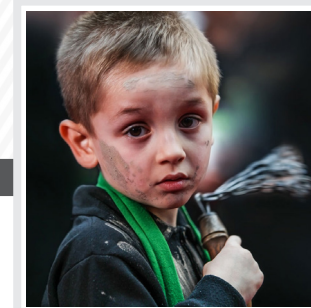
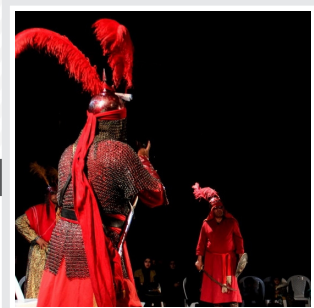
■ عزای حسینی متعلق به مردان سلحشور و مدافع و زنانی عفیف همچون حضرت زینب (علیها السلام)، حضرت رباب، حضرت ام کلثوم و حضرت سکینه است؛ درک فضیلت این دسته از افراد می تواند در آراسته شدن به این فضیلت ها نیز تأثیرگذار باشد.

■ عزاداری صرفاً اشک و ناله نیست ولی برخی با محدود کردن این آئین ارزشمند قصد دارند آن را به انزوا بکشند و از اهداف حقیقی که اسلام برای عزاداری امام حسین (علیه السلام) بر شمرده است دور کنند.



برگزیده ی مصاحبه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی در گفت وگو با خبرگزاری بین المللی قرآن (ایسکنا)، با موضوع تبیین مولفه های عزاداری حقیقی برای امام حسین (علیه السلام)

عزاداری در فرهنگ تشیع
امروزه به صورت شعار درآمده
و از عزای متعارف حقیقی فاصله گرفته است .



نقش تعزیه و شبیه خوانی در شهر مذهبی سیدان فارس که سرای سادات و دارالمؤمنین است و دیگر قُرای فارس و خود شهر شیراز بوده و هستیم و طریقه اش آن است که مرد لباس مخصوص زنانه نمی پوشد و پیراهن سیاه عربی پوشیده و با پارچه سیاه تا روی بینی را می پوشانند و اطفال هم لباس عربی پوشیده به زبان حال می خوانند و اجتماع مرد و زن مخلوط به هم نمی باشد و آواز غنا در کار نیست و ساز و شیپور و طبل که مخصوص عزاداری است، به صورت مارش عزا می نوازند و چون اشعار تعزیه ما را شاعر گرانقدر مرحوم آقای میرزا علی جان کاویانی راد متخلص به شکوتی که از اساتید تعزیه در ایران بوده اند از نص احادیث معتبره شیعه روایات را به شعر درآورده اند، نسخه ها در بین نسخه های سراسر ایران بی نظیر می باشد و ایشان از اهل داراب کلاه ساری بوده اند که مقدّرات و برپایی عزای امام حسین (علیه السلام) که در سراسر ایران مسافرت می نموده اند، جهت اجرای مراسم تعزیه ایشان را به فارس کشانیده و در آنجا ساکن و مدفون شده اند و حدود سیصد مجلس تعزیه از ایشان به یادگار مانده که قابل تحسین است و حتی الامکان در مجالس ما اشعار دروغ خوانده نمی شود و مجالس با شکوه خاص برگزار می گردد و به کثرتی شور و گریه برپا می شود که قابل توجّه است. آیا رفتن در همچو مجالس و گرفتن اجرت و اقامه آن در فتوای حضرت عالی چه صورت دارد؟ آنچه را که در احکام دین مبین اسلام از فتوای آن وجود معدن مجد و شرف است به دست خط شریف مرقوم و مژین فرمایید. ۱. در صورت حفظ همه شرایط مرقوم در استفتا اقامه، شرکت و تهیه مقدّمات جایز بلکه راجح است. ۲. چون هدف نهضت سیدالشهداء (علیه السلام) استنفاذ بندگان خدا از جهالت و ضلالت بود، نباید طرزی رفتار کرد که تعزیت به جای تعلیم و تربیت و تزکیه نفوس قرار گیرد.

۴. نسبت دادن برخی امور به اهل بیت (علیهم السلام) که به ظاهر با عصمت آنان منافات دارد. برخی افراد در توجیه این اعمال که در آن شائبه حرمت وجود دارد، می گویند: دستگاه امام حسین (علیه السلام) از محدوده فقه خارج است. لطفاً با بیان نظر شریفتان، راهگشای ما برای دستیابی به بینشی به دور از اشتباه و بهره مندی صحیح از مجالس اهل بیت (علیهم السلام) باشید. ۱. اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) همتای قرآن کریم، معصوم و حجت الهی اند. ۲. تعظیم شعائر اهل بیت (علیهم السلام) مورد ترغیب اکید شارع مقدس است. ۳. در تمام مراسم، لازم است از غلو پرهیز شود. ۴. لازم است در همه مراسم، از گفتار یا رفتاری که موجب هتک مقام شامخ امامت و وهن خاندان عصمت یا اهانت به اصل عزاداری است، احتراز شود. ۵. نهضت سید الشهداء (علیه السلام) برای احیای حق و اماته باطل بود؛ کاری که حق نباشد، انجام دادن آن مخالف هدف قیام حسینی (علیه السلام) است. ۸۱/۱/۲۲

■ جمعی از جان نثاران و شیعیان و محبّان اهل بیت عصمت و طهارت همه ساله در ایام ماه محرم و صفر از سالیان دراز تاکنون مشغول به اقامه عزاداری سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام) در

■ قمه و زنجیر چاقویی زدن و تیغ کشیدن در مجالس عزای اهل بیت (علیهم السلام) چه حکمی دارد؟ چیزی که در شرایط کنونی، مایه وهن اسلام است، مانند قمه زدن و ... جایز نیست. چیزی که مایه تعظیم شعائر است یا سبب هتک نیست، مانند زنجیر زدن، جایز است. ۸۰/۱۲/۱

■ گفتن ذکرهایی مثل خدای من حسین است، من علی اللهم ولا إله إلا فاطمه چه حکمی دارد؟ باید ترك شود. ۸۰/۱۲/۱

■ در مراسم عزای سید الشهداء (علیه السلام) لطمه زدن به صورت به دور از ریا و تظاهر، چه حکمی دارد؟ صرف نظر از حکم لطمه زدن به صورت در مصیبت، انجام چنین کاری اگر موجب ضرر قابل اعتنا نباشد، اشکال ندارد. ۸۱/۴/۱۲

■ هروله کردن (حالتی بین راه رفتن و دودیدن) همراه با سینه زنی در مراسم عزاداری، چه حکمی دارد؟ هروله ذاتاً اشکال ندارد، ولی اگر موجب وهن عزاداری شود، اشکال دارد. ۸۱/۴/۱۲

■ سینه زدن با بدن برهنه، به دور از چشم نامحرم چه حکمی دارد؟ در صورتی که مصون از نگاه نامحرمانه. نه خصوص نامحرم. باشد، اشکال ندارد. ۸۱/۴/۱۲

■ در برخی مجالس که برای بزرگداشت اهل بیت (علیهم السلام) برپا می شود، مسایلی به چشم می خورد؛ از جمله:

۱. تصریح به الفاظی که دلالت بر الوهیت اهل بیت (علیهم السلام) دارد؛ مانند لا إله إلا علی و ...

۲. خواندن اشعار و بیان مطالبی که مقام خداوند را در برابر اهل بیت (علیهم السلام) پایین می آورد؛ مانند خدا عکس علی را ماچ می کرد

۳. انجام بعضی کارها در منظر مردم، برای اظهار ذلت در برابر اهل بیت (علیهم السلام)؛ مانند آویختن زنجیر به گردن و درآوردن صدای حیوانات.

استفتاءات عاشورا



برگزیده ی سخنرانی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جواد آملی
با موضوع «حیات انسانی در مدرسه حسینی»
در مسجد جامع امام حسن عسکری (ع) تهران

حماسه حسینی،

یک منبع معرفتی، معنوی، ایمانی و عاطفی است

■ حماسه حسینی، همه شئون ایمانی و دنیوی و اخروی ما را به درستی تأمین و تضمین می‌کند، اما اینکه تا چه حدی ما از این منبع استفاده کنیم به ما برمی‌گردد، به میزان معرفت و آگاهی ما، به میزان ایمان و شناخت ما

■ این جریان عظیم یک منبع جوشان و خروشان است که اگر به درستی بدان توجه شود همه ابعاد مورد نیاز ما را، از توحید عرفانی تا مباحث اعتقادی، کلامی و مسائل فقهی را تأمین می‌کند.

■ این یک حادثه و اتفاق در بخشی از این کره خاکی و یا در گذری از گذشت زمان نیست بلکه یک منبع لایزال است که به اراده پروردگار عالم وابسته است و اگر این اراده نبود هرگز این حادثه باقی نمی‌ماند که بعد از ۱۴۰۰ سال این گونه عاشقان، شیفتگان و مریدان سرازیا نشناخته و در مسیر احیای آن گام بردارند.

دعای نبوی و علوی در باب ابی عبدالله (ع)

دل‌ها را شیفته و واله سرزمین عاشقان کرده است.

■ حضرت آیت الله العظمی جواد آملی والد بزرگوارمان می‌فرمایند آن دعایی که حضرت ابراهیم (ع) نسبت به ذریه‌اش فرمود، آن دعای توحیدی خالص، مسیر محبت و دوستی مردم را با خاندان حضرت ابراهیم تثبیت کرد.

■ دعای حضرت ابراهیم این بود که خدایا! دل‌های مردم را به سوی این خاندان بگردان، این دعا که از عمق سویدای وجود ابراهیم خلیل در سرزمین مکه در خلوت و تنهایی توحیدی ابراهیم جوشید در بارگاه الهی مقبول افتاد.

■ و این دعای نبوی و علوی در باب ابی عبدالله (ع) این دل‌ها را این گونه شیفته و واله و شیدای سرزمین عاشقان و میعادگاه عارفان کرده است. ما این را از خودمان ندانیم، اگر محبتی، علاقه‌ای، ارادت به پیشگاه حسین بن علی (ع) وجود دارد ما مشمول آن دعا هستیم.

مدرسه حسینی را باید گرامی بداریم

■ شخصی خدمت ابی عبدالله (ع) عرض کرد حالتان چطور است؟ ببینید چقدر زیبا ابی عبدالله در پاسخ به همین سوال ساده، انسانیت را تشریح می‌کند. انسان شناسی و شناخت موقعیت انسان آغاز و انجام انسانی و هویت انسانی در این بیان زیبا و اصیل از سالار شهیدان حسین بن علی (ع) چقدر شنیدنی و رساست! حضرت در پاسخ این شخص فرمود: من در حالی شب را صبح می‌کنم که باور دارم خدایی و پروردگاری بالایی سر من هست. ما به خالقیت خدا اعتراف داریم اما به ربوبیت خدای عالم خیلی باور نداریم!

■ اگر کسی به ربوبیت خدا، پروردگاری خدا که او مبدأ پرورش و تربیت است و او مبدأ هویت‌سازی انسانی است باور داشته باشد با علم خود، با اخلاق خود، با تربیت خود، با سلیقه خود، با احکام خود، خود را اداره نخواهد کرد.

شب عاشورا میدان جهاد اکبر بود

شب عاشورا میدان جهاد اکبر بود و روز عاشورا میدان جهاد اصغر؛ در میدان جهاد اصغر، تن می‌جنگد و در میدان جهاد اکبر، فکر و اندیشه به مبارزه برمی‌خیزد. رسول گرامی اسلام (ص) در هنگام بازگشت از جنگ که سلحشوران میدان نبرد از ظفرمندی در این میدان بسیار شغف و شادی داشتند، فرمود کار مهمی انجام نشده، این تازه آغاز راه انسانی است، خیلی‌ها در این راه موفق

بودند، اما وقتی کار به مباحث فضایل و رذایل و مبارزه بین اخلاق ممدوح و اخلاق مذموم رسید، راجل بودند و پیاده شدند و نتوانستند در این میدان پیروز باشند.

کسی که دارای ملکات اخلاقی باشد بدون شک نه تنها به سراغ گناه نمی‌رود، بلکه آن قدر مقتدر است که گناه به سوی او نمی‌رود. اینها که فاتح میدان جهاد اکبرند می‌توانند از دین اصیل یاد کنند و گرنه بیشتر افراد یا در شبهه علمی و یا در شهوت عملی گرفتار هستند.

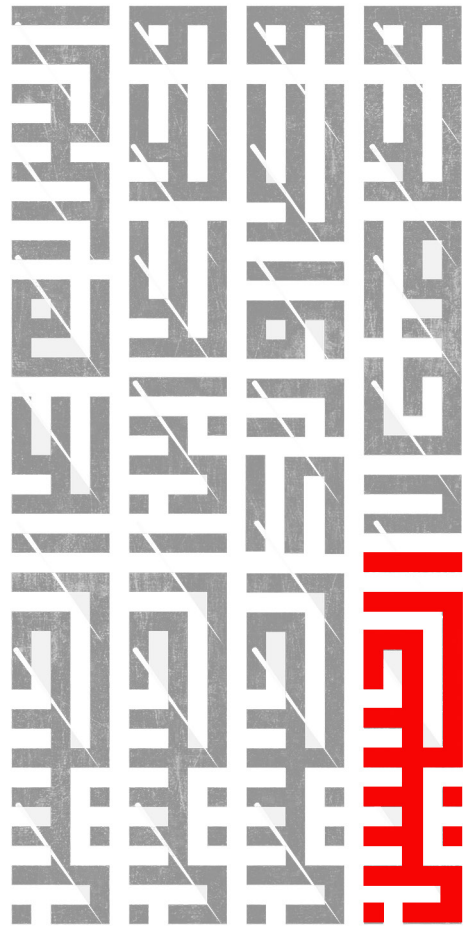
روز عاشورا میدان جهاد اصغر بود

شب عاشورا میدان جهاد اکبر بود، آنها در متن تاریکی، نور را تشخیص دادند، در شب عاشورا ابی عبدالله (ع) چراغ را خاموش کرد و به اصحاب گفت بروید، اینها با من کار دارند با شما کاری ندارند. آن هم با وجود چهل هزار منبری که معاویه علیه دستگاه اصیل اسلام یعنی علی بن ابیطالب (ع) به راه انداخته بود. با این وجود،



برگزیده ی سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جواد آملی
در شب شام غریبان، با موضوع «امام حسین (ع) و حیات انسانی»
از سلسله نشست‌های «عاشورا و امروز ما» در تالار فردوسی، خانه اندیشمندان

شب عاشورا میدان جهاد اکبر بود و روز عاشورا میدان جهاد اصغر؛
در میدان جهاد اصغر، تن می‌جنگد و در میدان جهاد اکبر،
فکر و اندیشه به مبارزه برمی‌خیزد.



حسینی‌ی تسنیم

ویژه‌نامه‌ی "سوگواری سالار شهیدان (ع)" ضمیمه‌ی مجله شماره ۱۸ اسراء تولید محتوا: تحریریه‌ی پرتال اسراء - کانال تلگرام اسراء
با تشکر از آقایان سید هاشم شوقی و مجتبی جعفری
مجری طرح و گرافیک: مجید صادقیان
ویراستار: سید علی میراحمدی
عکس: هادی چهره فانی

و با تشکر از خادمین آستان سید الشهداء (ع) در هیئت تسنیم ولایت

ارتباط با سردبیر: ۰۹۱۹۴۵۵۵۸۵۶

گزینه بیانات حضرت آیت العظمی جوادى آملی در دیدار خادمین هیئت تسنیم ولایت



غیر از اینکه خیمه‌ای بنام آنها، مجلسی بنام آنها، مکتبی بنام آنها، چراغی بنام آنها روشن نکنیم، حرف‌های اینها را، مکتب اینها را، بیان اینها را، راه اینها را به جامعه بگوییم؛ هم خودمان این راه را برویم هم دیگران بروند.

دردستگاه سید الشهداء (ع) بیکار نباشیم

به ما در دعاهاى ماه مبارک رمضان گفتند از خدا بخواهیم و بگوییم خدايا تو که دینت را حفظ می‌کنی، قرآن را حفظ می‌کنی، عترت را حفظ می‌کنی، طوری نباشد که دیگران این خیمه و این چراغ را روشن کنند ما بیکار باشیم، این طور نباشد که دیگران عزاداری را حفظ بکنند ما برویم در گوشه و کنار مجلس اینها، این چراغ به دست ما روشن بشود. این چیز بدی نیست، اینکه دنیا نیست، این هوس نیست، این ریاست نیست. خدايا این روضه حسینی را یقیناً تو حفظ می‌کنی بدون تردید، اما این طور نباشد دیگری این کار را بکند من بروم آن گوشه بنشینم، بلکه به دست من این کار را بکن! پس معلوم می‌شود که این دنیا نیست، این یک امر اخروی است. ما باید بخواهیم، وقتی خواستیم وسیله‌اش را هم خدا فراهم می‌کند.

پس معلوم می‌شود که ما تا نفس می‌کشیم می‌توانیم در این دستگاه‌ها باشیم در هر رشته‌ای و مقام الهی هم هست دعوت هم هست تعظیم هم هست اجابتش هم که هست.

جامعه روشن نگه بدارید و این دو تا ستون را نگه بدارید.

این خیمه هست، این چراغ هست

■ ممکن است که داعشی و سلفی پیدا بشود، اینها همیشه خس و خاشاکى هستند که در عالم بودند و هستند؛ اما بیان نورانی زینب کبری (ع) فرمود قسم به خدا نام ما را نمی‌توانید از بین ببرید ما برای همیشه زنده‌ایم. با اینکه اسیرانه آمده، خودش و سایر بچه‌ها همچنین وجود مبارک زین العابدین (ع) و اینها دست بسته آمدند. بنابراین یقیناً این خیمه هست، این چراغ هست، چرا ما نباشیم؟!

به اهل بیت یاری برسانید.

همه موظف هستیم این ذوات قدسی را یاری کنیم. شما جریان سید الشهداء (ع) را که ملاحظه بکنید اولین شهید این دودمان وجود مبارک مسلم بن عقیل (ع) است.

لذا در بحث‌های زیارات چه مفاتیح چه غیر مفاتیح وقتی زیارت این جریان کربلا را مطرح می‌کند اولین زیارت، زیارت حضرت مسلم (ع) است، چون او اولین شهید این دودمان است در همین زیارت حضرت مسلم (ع) دارد که من آماده‌ام برای شما. تنها حضرت سید الشهداء نیست، «نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ»، کمک من برای شما آماده است، باضمیر جمع آورد.

ما با مسلم بن عقیل (ع) عرض می‌کنیم که ما آماده‌ایم که شما را کمک بکنیم، مسلم بن عقیل (ع) را چگونه کمک می‌کنیم؟ غیر از فکرا، مردانگی او، عظمت او؟! ما الآن می‌خواهیم مسلم بن عقیل را یاری کنیم، چگونه یاری کنیم مسلم بن عقیل را؟

... و از این بابت خدا را شاکر باشید

خدا را شاکر باشید که این چراغ به دست شماها دارد روشن می‌شود. سفارش وجود مبارک امیرالمؤمنین (ع) در وصیت نامه‌اش این بود که فرمود: دو ستون را اقامه کنید، به پا بدارید و دو چراغ را افروخته نگه دارید؛ چراغ قرآن و چراغ عترت. شما بزرگواران، در ایام سال مشغول اقامه آن ستون بزرگ هستید به نام قرآن و در این فرصت زین (ماه محرم و صفر) مشغول اقامه‌ی ستون دوم هستید به نام عترت و ولایت؛ و از این بابت خدا را شاکر باشید.

... به جامعه نور بدهید.

همه اینها [برگزاری مراسم سوگواری] درجات گوناگونی دارد؛ انسان با طهارت و با وضو وارد می‌شود، با اخلاص این کار را انجام می‌دهد، به عنوان اینکه سید الشهداء (ع) سالار ماست مولای ماست و ما داریم جامعه را از این جهت روشن می‌کنیم، چون مستحضرید که ستون برای خود آدم نیست، چراغ برای خود آدم نیست، انسان یک گوشه‌ای قرار می‌گیرد ستون نمی‌خواهد. اینکه فرمود: «اقیموا» و «اوقدوا» یعنی جامعه را زیر خیمه خودتان حفظ بکنید به جامعه نور بدهید.

چراغ خیمه عزای حسینی را روشن نگه دارید

شما بزرگواران یک وقت است که در مراسم سوگ و ماتم سالار شهیدان شرکت می‌کنید مثل سایر عزادارها، ثواب می‌برید. یک وقتی خیمه عزای حسینی را، چراغ ولایت سالار شهیدان (ع) را روشن نگه می‌دارید، آن فضای دیگری است، آن فکر دیگری است، آن یک ثواب دیگری است، حضرت فرمود شما این چراغ را روشن نگه بدارید. این ستون را به پا کنید. یک نفر که ستون نمی‌خواهد، یک نفر که آن چراغ فروزان را نمی‌خواهد. فرمود این دو تا چراغ را شما برای